

## حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران

دکتر محمدرضا بندرچی (استادیار دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری)

قسمت پایانی

یکی از حقوق مورد بحث در علم حقوق، حقوق شهروندی است که در آن از مجموعه حقوقی که شهروندان یک شهر یا کشور دارند و دولت موظف به رعایت آنهاست، بحث می‌شود. در ذیل، این حقوق به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۱- حق اعمال اراده و اختیار در پذیرش حکومت و تعیین سرنوشت

در حقوق اساسی ایران به تصریح اصل ششم قانون اساسی، امور کشور باید از طریق مراجعه به آرای عمومی اداره شود و این اراده <... از راه انتخابات، انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر آنها از راه همه پرسی ...> اعمال می‌شود.

بدین ترتیب، همه امور کشور چه از طریق رأی مستقیم و چه از راه غیرمستقیم، به اراده ملت بستگی دارد و حق وی در این مورد استثنای پذیر نیست؛ پس نمی‌توان به هیچ روشی این حق مردم را محدود کرد و تقیید و محدودیت آن، صراحتاً با مبانی حکومت اسلامی مندرج در بند “۶” اصل دوم و اصل پنجاه و ششم قانون اساسی در تعارض است. بدین لحاظ است که در اصل پنجاه و ششم آمده است: <حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد...>

در حقوق اساسی از این قاعده به “حق حاکمیت ملت” تعبیر می‌شود.

### ۲- مساوات در برخورداری از حقوق

مطابق اصل نوزدهم: <مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها، سبب امتیاز نخواهد بود.>

بنابراین، بر این اساس، آپارتاید یا تبعیض در حقوق بر مبنای نژاد و قومیت و زبان، نفی شده است و ملاک استفاده از حق، “انسانیت” است؛ چنانچه در ماده (۹۵۶) قانونی مدنی نیز ذکر شده است که: <اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولدشدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود> و در ماده (۹۵۸) هم آمده است: <هر انسانی متمتع از حقوق مدنی خواهد بود...>

### ۳- حق مساوات در حمایت شدن از طرف قانون

بر اساس اصل بیستم: <همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.> به نظر می‌رسد، منظور از مردم ایران، مندرج در اصل نوزدهم، کلیه افرادی‌اند که در محدوده کشور ایران زندگی کرده یا تابعیت ایران را دارا هستند؛ پس دامنه شمول آن به خارجیان نیز تسری دارد. ولی منظور از افراد ملت،

مندرج در اصل بیستم، افراد ایرانی می‌باشند؛ چرا که خارجیان از بعضی از حقوق مندرج در قانون مثل ریاست جمهوری، نماینده مجلس شورای اسلامی، حق رأی‌دادن و مانند اینها محرومند. از طرفی دیگر، در انتهای اصل بیستم، این تساوی حقوق مقید به رعایت موازین اسلام شده است و منظور آن، رعایت قوانین مسلم فقهی در چگونگی تساوی حقوق انسانها اعم از مسلمان و غیرمسلمان و زن و مرد می‌باشد؛ چرا که در بعضی موارد که در قوانین عادی درج شده، غیر مسلمان در حالت تساوی با مسلمانان قرار ندارند (مثل قتل عمدی غیرمسلمان به دست مسلمان) و یا اینکه در اموری مثل ارث، سهم دختر، نصف سهم پسر است، یا اینکه دیه زن نصف دیه مردان می‌باشد؛ ولی از این قید مختصر که بگذریم، عموم و اطلاق اصل بیستم شامل همه افراد ملت خواهد بود.

#### ۴- حق امنیت

هر انسانی حق دارد در هر جا که زندگی می‌کند از امنیت کافی برخوردار باشد؛ چرا که بدون وجود امنیت جانی و مالی و غیره، شکوفایی و رشد استعدادهای انسانی ممکن نیست و یکی از نعمت‌های مهم الهی، همین امنیت است؛ چنانچه در سخنی منسوب به حضرت علی (علیه السلام) آمده است: «نعمتان مجهولتان، الصحة و الامان» دو نعمت است که قدرشان شناخته نشده و آن دو عبارتند از: سلامتی و امنیت. به همین علت در اصل بیست و دوم ذکر شده: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

البته قید این که «مگر در مواردی که قانون تجویز کند» بدین معنا نیست که قانونگذار حق دارد در هر موردی محدوده اصل بیست و دوم را نقض کند و امنیت شهروندان را به مخاطره اندازد؛ بلکه همان‌گونه که قبلاً هم ذکر شد، در تفسیر امور استثنایی باید به قدر متیقن عمل نمود و در این بحث باید گفت گاهی اوقات به دلیل وجود مصلحتی بالاتر، به حیطة اصل بیست و دوم تجاوز می‌شود و آن مصلحت، چیزی جز رعایت مصالح عمومی نیست. مثلاً اگر قاتلی فرار کرده و در منزلی پنهان شده باشد، راهی جز ورود به عتق مأمور دولت به آن منزل و دستگیری قاتل نیست؛ ولی این استثنائات باید اولاً: به حکم قانون، یعنی رأی ملت باشد. ثانیاً: به حکم دادگاه و با نظارت مراجع صالح قانونی صورت گیرد. تا رعایت مصالح عمومی موجب نشود به محدوده امنیت خصوصی مردم خللی وارد شود.

از متفرعات حق، برخوردار از امنیت، مصون بودن نامه‌ها و مکالمات تلفنی و مخابرات تلگرافی و فاکس مردم از هرگونه سانسور، عدم مخابره، نرساندن به مقصد و استراق سمع می‌باشد. پس هیچ مقامی جز مواردی که قانون دقیقاً مشخص کرده و در ماده (۵۸۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ذکر شده، حق ندارد به بازرسی نامه‌های مردم یا ضبط مکالمات تلفنی و استراق سمع آنها یا کنترل فاکس و امثال آن پرداخته یا آنها را به مقصد نرساند، یا دستوری در این زمینه صادر کند؛ و به طور کلی، ارتکاب این گونه امور طبق اصل بیست و پنجم قانون اساسی ممنوع بوده و اصولاً در این اصل قانونگذار، مطلق تجسس

در امور دیگران را (جز مواردی که قانون مجاز دانسته و برای رعایت مصلحت برتر است) ممنوع کرده است.

#### **۵- حق اشتغال و کار کردن**

اصولاً کار، جوهره انسان است و هر شخصی که قدرت کار کردن را پیدا می‌کند، باید قادر باشد در شغلی که مایل است و صلاحیت آن را دارد، اشتغال ورزد؛ به همین دلیل است که در اصل بیست و هفتم ذکر شده است: «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند». بدین ترتیب، در جامعه‌ای که قسط و عدل در آن حاکم باشد، باید هر کسی به میزان فراخور قادر باشد در شغلی که مناسب او باشد، شاغل شود و اصولاً بیکار ماندن و نبودن فرصت‌های کاری، بر خلاف اصل یاد شده می‌باشد.

#### **۶- حق برخورداری از تأمین اجتماعی و بیمه**

از دیدگاه حقوق اساسی ما «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی، به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی...»

یعنی عموم مردم و حتی خارجیانی که در کشور ما زندگی می‌کنند، به صرف شهروندی حق دارند از این حقوق برخوردار باشند و «دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تأمین کند».

#### **۷- حق برخورداری از آموزش رایگان**

چون آموزش و پرورش نقش مهمی در تکامل معنوی و مادی انسان و نیز کشور دارد، اهتمام خاصی به آن شده است. بر اساس اصل سی‌ام: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد...».

به نظر می‌رسد این حق، خاص شهروندان تابع ایران بوده باشد؛ چرا که از واژه «همه ملت» که شامل اتباع ایرانی می‌شود، استفاده شده است؛ پس وظیفه دولت در این زمینه به خارجیان تعلق نمی‌گیرد. گذشته از این، دولت موظف است: «وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد».

یعنی در امر تحصیلات عالی، دولت اجبار به برقراری تحصیل رایگان برای همه افراد کشور ندارد، بلکه وظیفه او تا حدی است که نیازهای کشور برطرف شود؛ در حالی که در تحصیلات متوسطه، دولت مکلف است این موقعیت را برای همه اتباع ایران فراهم سازد که بتوانند تا پایان دوره متوسطه تحصیلات خود را به‌طور رایگان انجام دهند.

#### **۸- حق برخورداری از مسکن و سرپناه**

مسکن، ضروری‌ترین نیاز انسان است و بدون آن، زندگی دشوار و یا ناممکن خواهد بود. از نظر اصلی و سوم: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بخصوص روستائینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.»

با دقت در این اصل، به دست می‌آید که حق برخورداری از مسکن متناسب، خاص شهروندان ایرانی است؛ ولی این امر منافات با این ندارد که اگر دولت قادر است، به رفع نیازمندیهای خارجیان فاقد مسکن هم بپردازد. نکته دیگر اینکه، روستائینان و کارگران در این زمینه از اولویت برخوردارند.

#### ۹- حق دادخواهی

دستگیری از ستم‌دیده نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه روشی انسانی هم هست و اصولاً فطرت بشری اقتضا دارد که اگر به کسی ستم شد، هر کس که قدرت دارد باید از او دفع ستم کند؛ و این خود نوعی نهی از منکر است. چنانچه در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) آمده است: «من سمع منادی ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم» یعنی، اگر کسی شنید که شخصی مسلمانان را به کمک می‌طلبد، ولی وی پاسخ او را ندهد، مسلمان نخواهد بود. به همین دلیل است که هر انسانی حق دارد در قبال ستمی که به او وارد شده، از دیگران، خصوصاً دولت که قدرتی برتر است، دادجویی و تظلم کند. به این دلیل، اصل سی و چهارم اشاره دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید.» بنابراین، از وظایف حکومت است که برای رجوع مردم ستم‌دیده، دادگاههای صالح را در تمام نقاط کشور ایجاد کند تا مردم با مراجعه به آنها، استیفای حق کنند. از این نظر، «همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند...» و حتی «هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون، حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.» در این زمینه، همه شهروندان، حتی خارجیان نیز حقوق متساوی با ایرانیان دارند.

#### ۱۰- حق انتخاب وکیل

مردم می‌توانند شخصاً برای دادخواهی، به دادگاهها مراجعه کنند؛ ولی در عین حال، از آنجا که در امر دادرسی موضوعی علمی است، هر یک از اصحاب دعوا «حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند» و اقدام وکیل به منزله اقدام خود آنان است و هیچ کس و هیچ مقامی حق ندارد مردم را از انتخاب وکیل مناسب منع کند و حتی دولت مکلف است اگر مردم «توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد» و در قوانین دادرسی کیفری در پاره‌ای از موارد مثل جرایمی که مجازات آنها اعدام یا قصاص است، برای متهم، وکیل تسخیری تعیین می‌نمایند و دستمزد او را هم از بودجه دولت پرداخت می‌کنند، و در تشکیلات کانون وکلای دادگستری نیز مواردی پیش‌بینی شده که مردم بتوانند از خدمات رایگان وکلای دادگستری استفاده کنند، که به این نوع وکالت، «وکالت معاضدتی» گفته می‌شود.

## ۱۱ - حق آزاد بودن

انسان نه تنها آزادی معنوی دارد، بلکه آزادی مادی، یعنی به میل خویش زندگی کردن را نیز دارد. طبق اصل سی و دوم: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند...» بنابراین، زندانی نمودن موقت یا دایم افراد، خلاف قانون است و چنانچه فردی متهم به ارتکاب جرمی شود، مقام قضایی صالح یا پلیس حق دارد او را احضار کرده و در صورت این که بیم فرار وی رود، او را موقتاً بازداشت کند و در این صورت هم «موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال» شود و مقام قضایی نیز مکلف است مقدمات محاکمه را در اسرع وقت فراهم کند. پس زندانی کردن افراد بی‌گناه بدون اینکه مدارکی راجع به مجرمیت آنها وجود داشته باشد، یا مواردی که قانون مجاز دانسته، جرم بوده و طبق قانون، فرد مرتکب در هر مقامی که باشد، مجازات خواهد شد. نه تنها زندانی کردن، بلکه مجازات مجرم نیز باید به حکم قانون و به دست دادگاه صالح باشد. بنابراین، جز مقام قضایی شایسته که قانون او را بدین سمت گمارده، هیچ کس حق ندارد مجرمی را مجازات کند و اگر چنین کند، علاوه بر مجازات، باید خسارت مادی و معنوی زیان دیده را هم بدهد.

## ۱۲ - حق بی‌گناهی

اصل بر این است که هیچ کس مرتکب گناه و جرم نشده است؛ پس، از دیدگاه حقوق اساسی ایران: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون، مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.» این اصل که در همه قوانین موضوعه سیستم‌های حقوقی دنیا پذیرفته شده، مبتنی بر فطرت پاک انسانی است. بنابراین، همه مردم پاک و بی‌گناه فرض می‌شوند تا خلافش، آن هم در نزد قاضی صالح ثابت شود. پس متهم کردن افراد بدون اینکه جرمی برای آنها ثابت شده باشد، عملی خلاف قانون می‌باشد و قابل پیگیری است.

## ۱۳ - احترام آبرو و حیثیت شهروندان

هرگونه هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است. زیرا مجازات هر مجرم فقط باید به میزانی که قانون مقرر کرده، انجام گیرد و تعدی از آن و هتک حرمت او، چیزی فراتر از مجازات خواهد بود که قانوناً مجاز نیست؛ همان‌طور که در حدیث نبوی (صلی‌الله علیه و آله) نیز آمده است: «حرمت مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است.» پس اگر هر مقامی نسبت به افراد شهروند جامعه، ولو مجرم نیز باشد، هتک حرمت و حیثیت نماید، متخلف بوده و قابل مجازات است.

## ۱۴ - حق تابعیت ایران

هر ایرانی حق دارد به تابعیت ایرانی خود باقی بماند و قانون اساسی ما در اصل چهل و یکم، این را حق مسلم هر ایرانی دانسته. پس دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند؛ در حالی که در قانون اساسی مشروطه و نیز پاره‌ای از کشورها، دولت حق دارد به عنوان مجازات، از تبعه خودش سلب تابعیت موقت یا دائم نماید؛ ولی از دیدگاه حقوق اساسی ما، سلب تابعیت ولو به حکم دادگاه یا هر مقام دیگر، امکان پذیر است؛ اما چون این موضوع یک «حق» است، هر ایرانی صاحب حق، می‌تواند از این حق خود صرف نظر کرده و به تابعیت کشور دیگری درآید، که در این صورت و به درخواست وی، دولت می‌تواند از وی سلب تابعیت کند. اهمیت این موضوع، به حدی است که اگر شخص خارجی هم به تابعیت ایران درآید که اصطلاحاً به آن «تابعیت اکتسابی» می‌گویند، باز هم دولت، حق سلب تابعیت او را ندارد.

### ۱۵ - حق مالکیت

مالکیت از بدیهی‌ترین حقوق انسانی است؛ چنانچه حتی بچه‌ای خردسال نیز آن را حس کرده و خویشتن را مالک اشیای خود می‌داند. از آنجایی که دین مبین اسلام مالکیت مشروع را محترم شمرده و در حدیث نبوی (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) آمده است: «حرمة مال المؤمن كحرمة دمه»، احترام مال مؤمن، مثل احترام خودش است. در اصل چهل و ششم نیز ذکر شده: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است...» و طبق اصل چهل و هفتم: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است، ضوابط آن را قانون معین می‌کند.»

البته ضوابط و قیودی برای رعایت بهتر این قواعد وجود دارد که در قوانین عادی پیش‌بینی شده و با رأی ملت مجرا خواهد بود.

### ۱۶ - حق شکایت از دولت

دولت و حکومت، طبیعتاً از قدرتی مافوق اشخاص عادی برخوردار است و همین امر باعث می‌شود تا چنانچه نظارت کافی بر کار او نباشد، حقوق شهروندان را پایمال کند. بنابراین، یکی از وظایف دولت‌ها، احقاق حقوق ملت در مواردی است که از طرف خود دولت به وی تعدی شده است. در حقوق اساسی ما، «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند...» (مفاد اصل ۹۰).

علاوه بر این، مطابق اصل یک‌صد و هفتاد و یک صد و هفتاد و یکم، چنانچه تصویب‌نامه یا آیین‌نامه‌ای یا تصمیمات دولت یا مأمورین دولتی، مخالف قانون و حقوق مردم باشد، هر کس حق دارد ابطال این اعمال را از دیوان عدالت اداری که نهادی قضایی و تحت نظر قوه قضاییه است، مطالبه کند. بدین ترتیب، از تجاوز حکومت به حقوق مردم جلوگیری خواهد شد.

### نتیجه:

مجموع بحث‌هایی که مطرح شد، نشانگر این است که آزادی‌ها و حقوق شهروندان از مقولات مهم حقوقی است، که در حقوق اساسی کشورهای دموکراتیک و مردم سالار ذکر شده است و در قانون اساسی ما نیز

به این بحث مهم مبسوطاً پرداخته شده. آنچه در این مقاله ذکر گردید، بر اساس مبانی مندرج در قانون اساسی تدوین شده و بررسی این مقوله در حقوق عادی، مجال دیگری می‌طلبد که در آینده باید صورت گیرد.